

نامه به روزنامه رسالت در رابطه با سخنان آقای ناطق نوری

هیات تحریریه روزنامه رسالت

محترماً با سلام و آرزوی توفیق همگان در بهره‌گیری از اسلام و خدمت به مردم، از آنجا که در شماره ۱۲۸ مورخ ۳۱ خرداد ۶۵ آن روزنامه سخنرانی حجة الاسلام علی اکبر ناطق نوری در مراسم سالروز شهدای مؤتلفه درج گردیده و در آن سخنرانی تهمت‌هایی ناروا و مطالبی نادرست به نهضت آزادی ایران نسبت داده شده خواهشمند است طبق قانون مطبوعات و به خاطر حفظ قوانین عدل و شرع پاسخ ذیل را در آن جریده درج فرمائید تا خوانندگان بتوانند گفته‌ها را شنیده از بهترین آنها، پیروی نموده مشمول بشارت الهی گردند.

حجة الاسلام علی اکبر ناطق نوری در مراسم سالروز شهدای مؤتلفه چنین می‌گویند "این لیبرالها، ملی‌گراها، نهضت آزادی‌ها، اینها دارند تاریخ انقلاب می‌نویسند و به قول یکی از بزرگان می‌فرمود که عجیب اینجاست که صریحاً در حیات و در زمان خود ما که عضو شورای انقلاب بودیم رسماً دارند دروغ می‌گویند و تاریخ دروغ می‌نویسند که در شورای انقلاب چه شد و..."

پس از استعفاء دولت موقت و سلطه غوغاسالاری بر جان و مال و آبروی ملت ایران، این اولین بار نیست که نهضت آزادی ایران مورد حملات ناجوانمردانه این چنین افرادی قرار گرفته است. نهضت متأسف است که مجالس و وعظ و خطابه، ترحیم و تذکر که باید وسیله‌ای برای تبلیغ اسلام و تزکیه نفوس قرار گیرد، آلت دست کسانی چون ناطق با سوابقی که بر همگان روشن است قرار می‌گیرد که در ملاء عام بدون ارائه دلیل و برهانی به خلق خدا تهمت بزنند و آیات الهی را در برابر بهای ناچیز ارضاء خواسته‌ها و عقده‌های خود در معرض فروش قرار دهند. شاید اشاره آقای ناطق نوری به تاریخ‌نویسی نهضت آزادی مربوط به کتاب "انقلاب در دو حرکت" است که تحلیل حوادث انقلاب به قلم آقای مهندس بازرگان انجام گرفته است. این کتاب به قلم کسی است که در جمهوری اسلامی ایران به عنوان اسوه صداقت شناخته شده و مطالب آن از هفت خوان سانسور وزارت ارشاد نیز گذشته و زمانی منتشر شده است که آقای ناطق خود وزیر کشور بوده و با وزیر ارشاد مسئولیت مشترک داشته است. آیا بهتر نبود کسی که با داشتن لباس روحانیت ادعای دینداری و تقوی دارد به جای کلی‌گوئی حتی یک مورد از این کتاب نقل می‌کرد که شامل مطالبی خلاف واقع بوده باشد؟ آیا آقای ناطق معتقد است که روزی فرا خواهد رسید که زیانش آزاد نبوده و نخواهد توانست بر عقده‌هایش سرپوش بگذارد؟ روزی که "الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون"^۱.

1. در آن روز بر دهانهایشان مهر می‌زنیم و دستهایشان با ما تکلم می‌کنند و پاهایشان شهادت می‌دهند که چه چیز در دنیا کسب کرده‌اند.

ناطق به سخنرانی دبیرکل نهضت در دهه فجر اشاره می‌کند که در آن سخنرانی تحقق سه شعار انقلاب یعنی آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی مورد ارزیابی قرار گرفته است و این ارزیابی را دلیل "بی‌دین" بودن سخنران می‌شمارد. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا بررسی عملکرد یک فرد یا یک قوم یا دولت که در برابر مردم مسئول است جزء تعلیمات اسلامی نیست؟ پس فرمان "حاسبوا قبل ان تحاسبوا" چیست؟^۱ و حدیث "لیس منا من لم یحاسب نفسه کل یوم"^۲ چه معنی دارد؟ آیا وظیفه ما این است که منکرات را نادیده گرفته و به عنوان معروف از آنها یاد کنیم و با به به و چهچه بر روی اعمال خلافی که به نام اسلام توسط افرادی همچون ناطق انجام می‌گیرد صحنه بگذاریم؟ بدون تردید دین و آئینی که تهمت و دروغ و افترا را به ایشان اجازه داده است مورد قبول ما نیست. پاسخ ما به ایشان این است که "لکم دینکم ولی دین".^۳ در جمهوری اسلامی اعتراضاتی در مورد ستم‌هایی که بر این و آن وارد می‌شود از گوشه و کنار شنیده می‌شود. به نظر ما هیچ کس در این جمهوری بیش از اسلام مورد ستم قرار نگرفته است، اسلامی که روحانی آن در خانه خدا و در ملاء عام دروغ بگوید، تهمت بزند و دین فروشی بکند آیا مورد ستم قرار نگرفته است؟

به هر حال آنچه در سخنرانی آمده است این است که قرار بود اسلام روش حکومت را به ما بیاموزد یعنی حکومت را اسلامی کنیم نه آنکه اسلام را حکومتی کنیم که کارش برخلاف نص "لا اکراه فی الدین"^۴ اجرای اجباری اسلام و تحمیل دین بر مردم باشد. نتیجه حکومتی شدن اسلام آن است که افرادی بتوانند زبان و قلم دیگران را ببندند و خود زبان گشاده هر رطب و یابسی را به نام دین به خورد خلق‌الله بدهند و اگر کسی زبان به شکایت و انتقاد گشود از رسانه‌های عمومی استفاده کرده او را بی‌دین بخوانند. برای اینکه مطلب روشن شود ما قسمتی از نوار تدوین شده آن سخنرانی را ذیلاً نقل می‌کنیم تا خوانندگان قضاوت نمایند:

"سومین انحراف حاکمیت روحانی یا تئوکراسی بود که به دنبال شخص‌پرستی و فردسالاری، به جای حاکمیت ملی و دموکراسی پدیدار گشت. هدف انقلاب و برنامه‌ها به جای آنکه طبق شعار ابتدائی، حکومت اسلامی یا دولت اسلامی باشد، اسلام دولتی گردید."

ناطق دینداری نهضتی‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد و می‌گوید:

"نمی‌دانم چرا بعضی از بزرگان می‌فرمایند آنها متدین هستند. من به خاطر آنها جرأت نمی‌کنم به اینها بگویم "بی‌دینها" ولی خودم شخصاً اعتقاد دارم که اینها بی‌دین هستند."

این بیانات نشان می‌دهد که پایبندی گوینده به اعتقاداتی از قبیل پیروی از مقام رهبری و ولایت فقیه تا چه اندازه است. در حالیکه رهبر انقلاب و آیت‌الله‌العظمی منتظری و روحانیون دیگر به تدین نهضتی‌ها اعتراف نموده و شهادت داده‌اند، معلوم نیست آقای ناطق نوری بر پایه چه صلاحیتی حکم تکفیر صادر نموده و نظرات آنان را زیر سؤال برده‌اند. ما در صدد نیستیم که در مورد اطلاعات دینی و صلاحیت فقهی

1. به حساب خودتان برسید قبل از آنکه به حسابتان برسند.

2. از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند.

3. دین شما برای خودتان است و ما هم دینی داریم.

4. اکراه در دین راه ندارد.

گوینده اظهارنظر کنیم. تنها می‌گوئیم سخنان وی در ۲۱ خرداد ۶۵ با سنگی که در مورد ولایت فقیه بر سینه می‌کوبد کاملاً منافات دارد و آیات ۴۷-۵۰ سوره نور را به یاد می‌آورد که می‌فرماید وقتی حکمی به خلاف خواسته‌های این گونه افراد داده می‌شود "اذا هم عنه معرضون"^۱ و سپس سؤال میکند که "افی قلوبهم مرض ام يخافون ان يحيف الله عليهم و رسوله بل اولئك هم الظالمون."^۲ از تناقض رفتاری فوق که بگذریم آیا آقای ناطق نوری گفتار خدا که فرمود "ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه في الذين امنوا لهم عذاب اليم"^۳ و گفتار پیغمبر(ص) که فرمود "ادنى الكفر ان يسمع الرجل من اخيه كلمه فيحفظها عليه يريدها يقضه بها"^۴ را قبول دارند؟ و اگر پاسخ مثبت است آیا احساس نمی‌کنند باید از کسانی که مورد حمله قرار داده‌اند پوزش خواسته و به درگاه خدا استغفار کنند؟

ناطق در این سخنرانی می‌گوید "ما خودمان قانون اساسی داریم. ما خودمان تحریرالوسیله داریم و نیازی به شرق و غرب نداریم". سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا مجوز تهمت زدن به دیگران آن هم در خانه خدا و بالای منبر تحریرالوسیله است یا قانون اساسی؟ آیا استعمال کلماتی مستهجن همچون "مردک" در مجالسی که باید مردم را به خدا و تزکیه و اخلاق دعوت کنیم مطابق کدام آیه، اصل و تقوا است؟ چه خوب بود ناطق لااقل همان وقتی را که پس از پیروزی انقلاب و احراز پست در خرید و فروش املاک و مستغلات و تعویض منازل مسکونی خود به خرج داده‌اند در مورد سخنانی که به نام اسلام و دین می‌گویند نیز داشتند و این چنین آیات الهی را به مسخره نمی‌گرفتند.

ربنا افرغ علينا صبراً و ثبت اقدامنا^۵

نهضت آزادی ایران

پنجم تیر ماه ۶۵

-
1. در این هنگام روی می‌گردانند.
 2. آیا در دل‌هایشان مرضی است و یا نگران آنند که خدا و رسول بر آنان جور کنند بلکه آنان ستمکارانند.
 3. کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در مورد مؤمنان شایع شود به آنها به عذاب دردناکی بشارت ده.
 4. نزدیک‌ترین چیز به کفر آن است که کسی چیزی درباره برادرش بشنود تا آن را برای مفتضح نمودنش به کار گیرد.
 5. خدایا بر ما صبر عنایت فرما و قدم‌هایمان را (در راه حق) استوار ساز.